

## متن پرسش

سلام علیکم: آیا برآستی دولت و حکومت اسلامی ان شاءالله نباید به جایی برسد که فراغت، زمینه و فرصت عبادت را در ماه سرنوشت سازِ رمضان برای مسلمین مهیا کند تا آنها در این ماه اینطور که الان هست، عادی و مانند ماه های دیگر درگیر کار و روزمرگی دنیوی و اداری نباشند و چند صباحی مشغول ساخت آخرت خود باشند؟! آنچنان که حضرت سجاد سلام الله علیه به خدا عرضه می دارد: اللهم ارزقنی فراغاً فی زهاده؟ آیا روزی عقل جامعه اسلامی به جایی نخواهد رسید که تعطیلات نوروزی خود را به تعطیلات رضائی تبدیل کند؟! نه مانند دولت کنونی که بعد از دو سال و نیم تازه در ابتدای این ماه شریف یاد بازگشایی کامل مدارس می افتد و ضمن ایجاد مشغله فکری برای خانواده های مومن و مقید، ناخواسته عرصه را برای روزه اولی های کودک خصوصاً دختر تنگ می کند تا آنها با زدن ماسک از ابتدای صبح تا ظهر خصوصاً در مناطق گرم کشور توان روزه داری را از دست بدهند و محروم شوند.

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ملاحظه کنید که ما در این زمانه در شرایط بحرانی هستیم و هنر انسان مؤمن و فرهیخته، شناختن زمانه است. همان طور که امام صادق «علیه السلام» می فرماید: «قَالَ فِی حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ» [۱] در دستورهای حکیمانه آل داود چنین آمده است که وظیفه ی انسان خردمند است که زمانه ی خویش را بشناسد. زیرا در شناخت زمانه است که انسان می تواند برنامه ریزی صحیح داشته باشد و قدم به قدم کارها را جلو ببرد تا به مقصد نهایی برسد و نیز می فهمد در کجای تاریخی که پشت سر گذاشته و یا باید به آن برسد، قرار دارد. مثلاً می فهمد هنوز به آن مرحله ای نرسیده ایم که بتوانیم از غربزدگی خود آگاه شویم و عزم عبور از آن را پیدا کنیم. حضرت صادق «علیه السلام» می فرماید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ» [۲] آنکس که نسبت به زمان خود عالم باشد، امور نامعلوم به او هجوم نمی آورد. انسانهایی که روح زمانه ی خود را نشناسند در خلأ تحلیل فرو می افتند و در مقابل اموری که باور نمی کردند پیش آید، تحلیل ندارند. در حالی که اگر انسان روح زمانه خود را بشناسد می پذیرد که بالاخره ما باید منتظر چنین موضعگیری توسط مردم می بودیم و باید می دانستیم نخبگان ملت تا کجاها با مردم انقلابی همراهی می کنند و از کجا متوقف می گردند. رهبران بزرگ با توجه به همین امر است که بر اساس توانایی ملت، مردم را جلو می برند و با نخبگان نیز مدارا می کنند و از مردود شدن بعضی از نخبگان جا نمی خورند. آیا وقتی علوم انسانی موجود در دانشگاه های ما انسانی را تعریف می کنند که آن انسان هیچ سنخیتی با اهداف

انقلاب اسلامی در خود احساس نمی کند نباید منتظر رویکرد تحصیلکردگان به کاندیدایی شد که اصالت را به غرب می دهد؟ آگاهی به این امر که در زمانهای قرار داریم که علوم انسانی اش اینچنین است موجب می شود که منتظر آنچه حادثه ای باشیم و به صورتی زیربنایی نسبت به علوم انسانی اسلامی فکری بکنیم تا آینده از آن انقلاب اسلامی باشد.

با توجه به مطالب فوق باید مواظب بود با نظر به آرمانها، از تنگناهای تاریخی خود غفلت نکنیم وگرنه انتظارات مان غیر واقعی می شود و زحمات و تلاش های دولتی که از جنس انقلاب و آرمان های انقلاب است؛ درست دیده نمی شود. موفق باشید

[۱] (۲) - الکافی، ج ۲، ص ۱۱۶.

[۲] (۱) - الکافی، ج ۱، ص ۲۷.